

## تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرز نشینان بر قاچاق کالا (مطالعه‌ی موردی: استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان)

محسن شاطریان\* - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه کاشان  
محمود گنجی‌پور - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور تهران  
امیر اشنویی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۱۰      تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

### چکیده

توسعه‌ی بدون برنامه و یک‌سویه در پهنه‌ی سرزمین، بسیاری از ظرفیت‌های کشور را بدون استفاده گذاشته، مشکلات بسیاری را در سطوح مختلف به‌وجود آورده و موجب افزایش نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور شده است. از این رو، استفاده از دیدگاه آمایش سرزمین به توازن توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی مناطق مختلف کمک کرده و از قاچاق کالا که یکی از پیامدهای شوم توسعه‌ی ناموزون و ناعادلانه است، جلوگیری می‌کند. این پژوهش با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. بر این اساس با استفاده از مدل سوات (SWOT) موقعیت کنونی مناطق مطالعه و نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید بررسی شده و در نهایت، راهکارهای رسیدن به اولویت‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های آمایشی و چشم‌انداز ارائه شده است. جامعه‌ی آماری مورد بررسی، کارشناسان ۱۱ اداره و سازمان مرتبط با قاچاق کالا در مناطق مرزی استان‌های کردستان، بوشهر و سیستان و بلوچستان را در برمی‌گیرد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۱۶۵ نفر تعیین شد. نتیجه اینکه راهکارهای آمایشی برای کاهش قاچاق کالا از طریق بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرز نشینان ارائه شد. اولویت اول برای سه استان، راهبرد تغییر جهت هوشمندانه است؛ به‌گونه‌ای که این راهبرد شامل: ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده، گسترش مبادلات اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی، استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در همجواری با کشورهای همسایه، ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی، شفاف‌سازی قیمت‌ها است.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، قاچاق کالا، مرز، اقتصادی، اجتماعی.

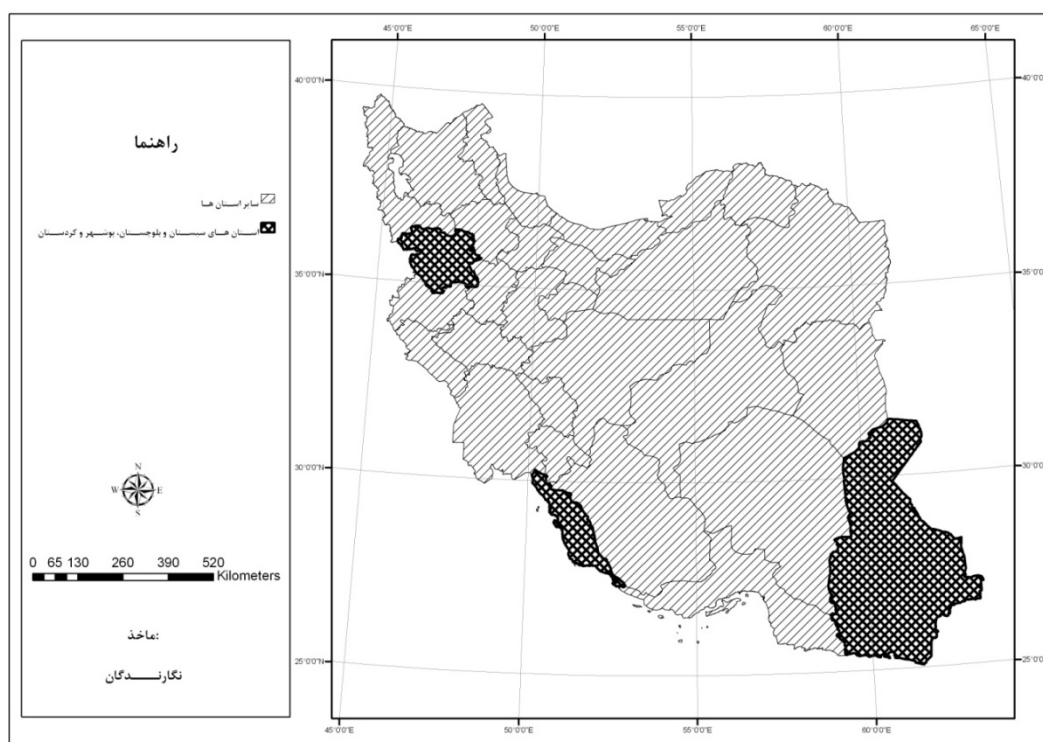
## مقدمه

توسعه‌ی یک‌سویه، نامتوازن و بدون برنامه‌ی شهرها، جمعیت‌ها و فعالیت‌ها در پهنه‌ی سرزمین، بسیاری از ظرفیت‌های کشور را بدون استفاده گذاشته و مشکلات بسیاری را در سطوح مختلف به کشور تحمیل کرده و موجب افزایش نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور شده است (احمدی فروشانی، ۱۳۸۹: ۹۳). از آنجا که یکی از اهداف پیروزی انقلاب اسلامی، رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه‌یافته یا به بیان روشن‌تر، محروم کشور است، این مهم از دل مشغولی‌های اساسی دولت‌های پس از انقلاب بوده و در این زمینه گام‌های مهمی نیز برداشته شده است، اما با وجود گرایش‌های فوق و با همه تلاش‌های انجام گرفته، هم‌اکنون گستره‌ای از کشور که حوزه‌ی جغرافیایی با اهمیتی چون مناطق و نواحی مرزی در زمره‌ی آنهاست، به دلایلی چون دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی و غیره، تفاوت‌های آشکاری از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده‌ی جمعیتی دارند (میرمحمدی، ۱۳۸۷). گزارش توسعه‌ی انسانی به تفکیک استان‌های کشور، مؤید این مطلب است که استان سیستان و بلوچستان با شاخصی برابر با ۰/۶۳۰، دارای کمترین شاخص توسعه‌ی انسانی در میان سایر استان‌های کشور است. همچنین استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و خراسان شمالی (استان‌های مرزی) به ترتیب با شاخص‌هایی برابر با ۰/۶۸۷ و ۰/۷۰۶ در مرتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۵: ۱۴). این تفاوت‌های عمده، منجر به گسست این دو ناحیه و ایجاد یک رابطه‌ی استثماری به نفع مرکز می‌شود و این امر موجب شده مناطق مرزی از چرخه‌ی توسعه بازمانند (علینقی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)؛ زیرا از یک سو به دلیل جوان بودن جمعیت و جذب‌نشدن نیروی کار به فعالیت‌های مولد، بخشی از نیروی کار به دنبال مشاغل کاذب می‌روند و از سوی دیگر، به دلیل وجود تقاضا برای تولیدات خارجی که نشأت گرفته از عدم اشباع خواسته‌های مردم از طرق رسمی و قانونی است، ورود کالاها از مجاری غیر قانونی و غیر رسمی و سودآوری بیش از حد آن را توجیه می‌کند و درنهایت این فرایند، منجر به پدیده‌ی شومی به نام قاچاق<sup>۱</sup> کالا می‌شود (حاجی نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸۳). درنهایت با وجود قابلیت‌های فراوان مناطق مرزی کشور، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در آنها در سطح مطلوبی قرار ندارد و ارتقای آن تا سطح شاخص‌های میانگین ملی، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های فراوانی را می‌طلبد (کوه شکاف، ۱۳۸۱: ۴۴۹). دستیابی به توسعه‌ی متعادل اجتماعی - اقتصادی کنونی که دولت بار اصلی توسعه را به دوش می‌کشد، اگر غیر محتمل نباشد، در حالتی خوش‌بینانه بدون آمایش سرزمین امری طولانی و زمان‌بر خواهد بود. در واقع اطلاعات حاصل از آمایش سرزمین که با تأکید بر مناطق و پیمایش دقیق آنها حاصل می‌شود، نقشه‌ی جامعی است که توانایی‌ها، فرصت‌ها، نقاط ضعف و تهدید در هر منطقه را با دقت به‌نمایش می‌گذارد. انجام مطالعات با توجه به آمایش سرزمین مسئولان را به سمتی سوق می‌دهد که به توانمندی‌های منطقه آگاه شده و بتوانند در آینده از این توانمندی‌ها استفاده‌ی مؤثری کنند. بنابراین با تحلیل شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی مناطق مرزی و بررسی رابطه‌ی آن با افزایش یا کاهش قاچاق کالا از طریق برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، می‌توان گام مؤثری در راه توسعه‌ی پایدار در مناطق مرزی استان‌های کردستان، بوشهر و سیستان و بلوچستان برداشت.

## محدوده‌ی مورد مطالعه

محدوده‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش را سه استان مرزی سیستان و بلوچستان در جنوب شرق، بوشهر در جنوب و کردستان در غرب کشور تشکیل می‌دهند که با موضوع قاچاق کالا مرتبط هستند.

**الف) استان سیستان و بلوچستان:** این استان در جنوب خاوری ایران و در مختصات جغرافیایی ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان پهناور از خاور با کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب با دریای عمان، از شمال و شمال غربی با استان خراسان جنوبی و از غرب با استان‌های کرمان و هرمزگان همجوار است. این استان از دو ناحیه تشکیل شده است. ناحیه‌ی سیستان که ۸۱۱۷ کیلومتر مربع وسعت دارد و در قسمت شمالی استان واقع شده است. این ناحیه حوزه‌ی مسطح و مسدودی است که از آبرفت‌های دلتای قدیمی و فعلی رود هیرمند تشکیل شده است. ناحیه‌ی بلوچستان با مساحت ۱۷۹۳۸۵ کیلومتر مربع، یک منطقه‌ی وسیع کوهستانی است که مرز شمالی آن کویر لوت و مرز جنوبی آن دریای عمان است. مرزهای طولانی آبی و خشکی استان با کشور افغانستان، پاکستان و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، موقعیت ویژه‌ای به این استان بخشیده و سبب ایجاد شرایط خاصی در آن شده است.



شکل ۱. موقعیت استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان

**ب) استان بوشهر:** این استان در جنوب ایران واقع شده و بین ۲۷ درجه و ۱۴ دقیقه پهنای شمالی و ۵۰ درجه و ۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه درازای خاوری از نیمروز گرینویچ قرار گرفته است. دسترسی به استان بوشهر از سه طریق

هوایی، زمینی و دریایی امکان‌پذیر است. این استان از شمال به استان‌های خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از استان هرمزگان، از خاور به استان فارس و از باختر به خلیج فارس محدود است. استان بوشهر با خلیج فارس بیش از ۶۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد و از اهمیت سوق‌الجیشی، اقتصادی و گردشگری قابل توجهی برخوردار است.

**ج) استان کردستان:** این استان از نظر جغرافیایی بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول خاوری قرار دارد. در حال حاضر، استان کردستان دارای ۱۰ شهرستان، ۲۷ بخش، ۲۳ شهر و ۸۴ دهستان است. استان کردستان با مساحتی در حدود ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع، در مجاورت بخش خاوری کشور عراق قرار دارد. این استان که در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده‌ی سلسله‌کوه‌های زاگرس میانی قرار دارد، از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از باختر به کشور عراق محدود می‌شود.

## مبانی نظری

مترادف اصطلاح آمایش سرزمین، در متون زبان انگلیسی، عباراتی از قبیل Land Use, Planning Spatial, Regional Development و Physical Planning, Planning, Amenagement du "territoire" است (جمشیدی آوانکی و قورچیان، ۱۳۸۵: ۵۴). در فرانسه آمایش سرزمین با مشاهده‌ی عدم تعادل در توزیع جغرافیای جمعیت، فعالیت و خدمات و همزمان با پیدایش فکر برنامه‌ریزی برای بازسازی کشور، پس از جنگ جهانی دوم پدیدار شد. ایدئولوژی آمایش نیز دست‌یابی به ایجاد تعادل در توزیع جغرافیایی فعالیت‌ها، یعنی رفع ازدحام، پُرکردن خلأها، کاهش مهاجرت از روستا به شهر و خلاصه، دست‌یافتن به پراکنش هماهنگ انسان‌ها و کارها در پهنه‌ی سرزمین بود. در حال حاضر نیز دسترسی به این اهداف در حیطه‌ی وظایف وزارت آمایش سرزمین و احیا است. در کشور انگلیس مفهوم آمایش سرزمین با مفهومی که در فرانسه پذیرفته شده به کار برده نمی‌شود و به جای آن مفهوم برنامه‌ریزی فیزیکی را در نظر گرفته‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۲۰).

به باور برخی از صاحب‌نظران مانند فیلیپ لامور<sup>۱</sup>، موضوع اساسی که آمایش سرزمین را معرفی می‌کند "مدیریت کشور" است<sup>۲</sup> (Hansen, 1978: 5)، همچنین آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت<sup>۳</sup> برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به‌منظور افزایش رفاه<sup>۴</sup>، آسایش<sup>۵</sup> و هماهنگی<sup>۶</sup> جامعه می‌دانند (Henry, 2002: 292). از جنبه‌ی مفهوم، آمایش سرزمین، ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان

1. Philippe Lamoure  
2. Country management  
3. Long- range planning  
4. Welfare  
5. Rest  
6. Coordination

زمینه‌ی "مدیریت" و در رابطه با فضا بحث "اقلیم" و در رابطه با فعالیت گویه‌ی "برنامه و برنامه‌ریزی" برجسته می‌شود، یعنی مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت، اقتصاد و جغرافیا است (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۶). به باور برخی از صاحب‌نظران آمایش سرزمین بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌حل مدیریت و برنامه‌ریزی محیط زیست، مؤلفه‌های اقتصادی و رفاه اجتماعی است (مخدوم، ۱۳۷۸: ۱۷). در سال‌های اخیر با توجه به تغییرات اساسی که در مورد مفهوم فضا صورت گرفته، مفاهیم مربوط به آمایش سرزمین دگرگون شده است. گسترش مفهوم فضا که به‌طور عمده در دهه‌ی گذشته و از جمله در تداوم کارهای مانوئل کاستلز<sup>۱</sup> و دیوید هاروی<sup>۲</sup> انجام گرفته، باعث شده مفهوم ایستایی خود را که حفاظت از محیط زیست برای بیش از یک دهه به آن داده بود، از دست داده و امروز مفهوم پویایی بیاید که به این صورت فضا را می‌توان تولید و مبادله کرد و از تولید و مبادله‌ی آن، ارزش افزوده به‌دست آورد (هاروی، ۱۳۸۷: ۴۳؛ Castells, 2009: 429).

چندگانگی اهداف متصور بر آمایش سرزمین و مشخص نبودن جایگاه و نقش آمایش سرزمین در نظام کلی برنامه‌ریزی، همچنین عدم شناخت و اهمیت تأثیر آمایش در تعدیل و تنظیم نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی و توزیع بهینه‌ی منابع و فعالیت‌ها از سوی سیاست‌گذاران، موانع اصلی در مورد تعریف یکسانی از آمایش سرزمین شمرده می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵).

فرایند توسعه، فرایندی چند بُعدی است که شناخت و تجزیه و تحلیل آن مستلزم یک برخورد کلی‌نگر و استفاده از تمام ابزار علوم اقتصادی - اجتماعی است و بدین ترتیب در برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه، افزون‌بر ابعاد اقتصادی - اجتماعی، لازم است که به ابعاد فضایی (آمایش سرزمین) نیز توجه شود. به‌طور کلی برنامه‌ریزی جامع توسعه‌ی ملی را می‌توان در سه بُعد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی (آمایشی) بررسی کرد (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۸). برنامه‌ریزی در آمایش، بدون برنامه‌ریزی منطقه‌ای در عمل کاربردی نخواهد داشت. بنابراین، نقش سرزمین در آمایش سرزمین بیش از اندازه مهم و اساسی است (خنفیر، ۱۳۸۹: ۶).

برنامه‌ریزی منطقه‌ای یا همان برنامه‌ریزی در منطقه، عبارت از فرایند توجیه و تبیین و روشن کردن آرمان‌های اجتماعی و ارائه‌ی راه‌حل‌هایی در راستای سامان بخشیدن به فعالیت‌ها در فضای سرزمینی است. در مجموع آمایش سرزمین یعنی، روند منظم برای انتخاب بهترین روش‌ها و مدل‌ها جهت دستیابی به اهداف رشد و توسعه‌ی سرزمین یا مناطق مختلف است (زیاری، ۱۳۷۸: ۸۸). از این رو، یکی از اهداف و ضرورت‌های آمایش سرزمین، برقراری تعادل منطقه‌ای است که طی آن، مناطق محروم بتوانند از امکانات و منافع توسعه‌ی ملی بهره‌مند شوند، توزیع عادلانه‌ی امکانات پدید بیاید و نوسازی، بازسازی و بهسازی فضایی در مناطق مورد نیاز به ظهور برسد.

مهم‌ترین پایه‌های نظری توسعه‌ی منطقه‌ای که در آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، نظریه‌ی مرکز - پیرامون است. گرچه در نظریه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، منظور از مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای بیشتر مفهوم

اقتصادی دارد، اما با توضیحاتی که این پژوهش در مورد شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی ارائه می‌دهد، این مناطق را به‌طور عمده می‌توان مناطق حاشیه‌ای به‌شمار آورد و نظریه‌های یاد شده درباره‌ی آنها نیز صادق است. به‌گفته‌ی دیگر، مناطق پیرامونی مورد بحث این نظریه‌ها، گرچه ضرورتاً نواحی مرزی یک کشور، از جمله ایران نیستند، اما بیشتر مناطق مرزی در ایران - مانند بسیاری از دیگر مناطق مرزی جهان - حاشیه‌ای، پیرامونی و توسعه نیافته‌اند.

در تجزیه و تحلیل پدیده‌ی نابرابری منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و مناطق پیرامونی، تکیه‌گاه اصلی بر مجموعه نظریه‌های مکان مرکزی<sup>۱</sup> و به‌ویژه، نظریه‌ی والتر کریستالر<sup>۲</sup> نهاده شده است. در حقیقت نظریه‌ی کریستالر، در سال ۱۹۳۳ برای دستیابی به الگوی بهینه‌ی آمیختن سه عامل عمده‌ی بازار مصرف، حمل‌ونقل و فعالیت اداری ارائه شده است (شکوئی، ۱۳۸۱: ۳۷۹). فریدمن براساس مطالعات خود که در آمریکای جنوبی (ونزوئلا و شیلی) انجام گرفت، برخلاف باور رایج، رابطه بین این دو نظام را رابطه‌ای استعماری می‌داند که قطبی شدن را در مرکز و حاشیه‌ای شدن را در پیرامون به‌دنبال دارد (Friedman, 1998: 33). در مدل مرکز/پیرامون که قابل تسری به نظریه‌ی قطب رشد در توسعه‌ی منطقه‌ای است، فریدمن خوش‌بینی خود را در همگرایی اختلاف‌های منطقه‌ای در کشورهای جنوب از دست داده و روند قطبی شدن و دوگانگی در سازوکار مرکز/پیرامون را "خود تقویت کننده" برشمرد (Myrdal, 2000: 12).

نظریه‌ی مرکز - پیرامون در دهه‌ی ۱۹۷۰، توسط نایلز هانسن<sup>۳</sup> به‌منظور تفسیر پدیده‌ی عدم تعادل منطقه‌ای بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی مورد استفاده قرار گرفت (معطوف، ۱۳۸۱: ۴۷۶). هانسن مدعی شد که کریستالر عقیده داشت مناطق مرزی آسیب‌پذیرند، زیرا فضاهای مکمل یکدیگر را از همدیگر جدا می‌کند (عندلیب، ۱۳۷۹: ۴۹). پس از هانسن، دو پژوهشگر به نام‌های فیلیپ جنز<sup>۴</sup> و تریور وایلد<sup>۵</sup> با تکیه بر پایه‌های نظریه‌ی مکان مرکزی کریستالر و کارهای لوش<sup>۶</sup> ابراز کردند که توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی مربوط به دو محور محدودیت‌های تجارت خارجی در نواحی مرزی و تهدیدهای نظامی و عوامل ناامنی است. آنها بیان می‌کنند که شهرهای واقع در نواحی مرزی، در توسعه‌ی خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند. آنان همچنین به پیروی از روملی و مینچی (۱۹۹۱) معتقدند که نواحی مرزی، علاوه‌بر پدیده‌ی توسعه‌نیافتگی ناشی از موقعیت جغرافیایی خود همچون دور از مرکز، تأثیر مستقیم مرزها را در ساختار فضایی و کالبدی آنها منتقل می‌کنند (Jones & Wild, 1994: 270).

در نهایت، مطالعات در ایران و جهان حاکی از آن است که شرایط توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی، همواره مشکلات و چالش‌های گسترده و اساسی زیادی چون، انواع قانون‌شکنی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را به‌دنبال خود داشته است. بر این اساس، ویژگی‌هایی که در مناطق مرزی به‌گسترش جرم و قانون‌گریزی منجر شده، توسعه‌ی ناموزون و ناعادلانه‌ی مناطق مرزی است که قاچاق کالا یکی از پیامدهای شوم توسعه‌ی ناموزون و ناعادلانه است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۳۳).

تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین فرضیه‌های طرح آمایش سرزمین در چارچوب منطقه‌بندی،

1. Center Place Theory  
2. Walter Christaller  
3. Niles Hansen  
4. Philip Jones  
5. Trevor Wild  
6. Losch

موضوع چگونگی روابط کشور با کشورهای دیگر و نقش جایگاه آن در مقیاس بین‌المللی است. بدون داشتن یک دیدگاه مشخص نسبت به چگونگی روابط اقتصادی، فرهنگی کشور با سایر کشورها (به‌ویژه کشورهای منطقه)، طرح آمایش سرزمین تحوّل آفرینی مورد انتظار را نخواهد داشت. در واقع با آمایش مناطق مرزی - که به‌نوعی سازماندهی فضایی مناطق مرزی، به‌منظور بهره‌برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و امنیت کشور است - می‌توان توزیع بهینه‌ی جمعیت و فعالیت در پهنه‌ی جغرافیایی مناطق مرزی را امکان‌پذیر کرد، به‌گونه‌ای که هر یک از مناطق با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها، از طیف مناسب فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی برخوردار بوده و امکان رشد مادی و معنوی برای ساکنان این مناطق فراهم شود (افتخاری، پاپلی و عبدی، ۱۳۸۷: ۹۰). حال اگر فرایند توسعه‌ی فضایی مناطق مرزی را کوششی هوشمندانه برای ارتقای سطح کیفی زندگی مردم ساکن مرز بدانیم، باید گفت که نیاز کشوری همچون ایران به‌دلیل پراکندگی سکونتگاه‌های آن به فرایند توسعه‌ی مناطق مرزی بسیار مشهود است. همچنین با توجه به تعداد و افراد ساکن در مرزها و نوع تعامل آنها با مردمان آنسوی مرز، تأثیرات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی ویژه‌ای را رقم خواهد زد. ساماندهی این تعاملات از یک‌سو و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین و نبود تعادل‌های منطقه‌ای و مرزی و بین مناطق مرزی و مرکز از سوی دیگر، تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه‌ی فضایی مناطق مرزی بر جای گذاشته است. به‌گونه‌ای که مکان‌های جمعیتی، حاشیه‌ی مرز را در انزوای اجتماعی - اقتصادی و ملی قرار داده است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶).

توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش برخی از مشکلات مرزی مانند قاچاق کالا، مواد مخدر، سرقت و غیره را فراهم کرده و از تخلیه‌ی جمعیت مناطق مرزی جلوگیری کند (محمدپور فیلشور، ۱۳۸۱: ۴). وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی، در افزایش عبور غیر مجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با امنیت منافع ملی کشورها در تضاد است، در شکل‌گیری اقدامات توسعه‌ای، از جمله بازارچه‌های مرزی، مؤثر بوده است. بر اساس مطالعات انجام شده امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا، رابطه‌ی مستقیم و دوسویه‌ای با یکدیگر دارند؛ به‌گونه‌ای که هر اقدام در فرایند دستیابی به توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و برعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

توسعه‌ی اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان، از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سوی دیگر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری‌های دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز نیز، می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت داشته باشد (قادری حاجت، عبدی، جلیلی پروانه و باقری سرنجیانه، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از بررسی‌های اسنادی، کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده و با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید

در منطقه پرداخته است. سپس برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از مدل SWOT استفاده شد. برای این منظور، نقاط قوت و ضعف (محیط داخلی) و فرصت‌ها و تهدیدها (محیط خارجی) منطقه مطالعه شد و سپس برای تکمیل اطلاعات به دست آمده، به کمک پرسش‌نامه، از کارشناسان اداره‌ها و سازمان‌های مرتبط با قاچاق کالا در استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر و کردستان نظرخواهی شد که با وزن‌دهی به موارد مورد نظر، به تکمیل ماتریس SWOT و در نهایت، راهکارهای رسیدن به اولویت‌های مبتنی بر جهت‌گیری‌های آمایشی و چشم‌انداز ارائه شد.

جامعه‌ی آماری پژوهش، کارشناسان ۱۱ اداره و سازمان مرتبط با قاچاق کالا در مناطق مرزی استان‌های مورد مطالعه را شامل می‌شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۱۹) تعداد ۱۶۵ نفر تعیین شد. به‌گونه‌ای که در هر استان ۵۵ نفر از کارشناسان اداره‌ها و سازمان‌های مرتبط با قاچاق کالا (۵ نفر کارشناس از هر سازمان دولتی) مورد پرسش قرار گرفتند.

### روایی و پایایی پرسش‌نامه

اعتبار و روایی<sup>۱</sup> سنجش بستگی به مفهوم یا معرف‌های تجربی سنجش آن دارد. اصلی‌ترین روش آزمون اعتبار، بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش جدی است که آیا این ابزار سنجش به‌واقع مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه (دواس، ۱۳۸۲: ۶۲). در پژوهش حاضر، برای افزایش درجه اعتبار از روش صوری استفاده شده است. بدین منظور، پرسش‌نامه پس از تدوین در اختیار صاحب‌نظران، متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آنها، اصلاحات لازم انجام شد.

منظور از پایایی این است که اگر آزمایشی را چند بار تکرار کنیم یا تجزیه و تحلیل را چندین بار انجام دهیم، در همه موارد نتایج به دست آمده یکسان باشد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱). برای تعیین پایایی<sup>۲</sup> این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به‌شمار می‌رود.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ

نام متغیر	نقاط قوت	نقاط ضعف	نقاط فرصت	نقاط تهدید
آلفای کرونباخ	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۷۷

همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۱ مشاهده می‌شود با توجه به اینکه در آزمون پایلوت، روایی به حد نصاب رسیده و میزان آلفای محاسبه شده اعداد مطلوبی هستند، می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسش‌نامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند.



## الگوی تحلیلی SWOT

در خصوص تجزیه و تحلیل ظرفیت‌ها، روش‌های مختلفی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به تجزیه و تحلیل SWOT، مدل خلاصه‌ی تجزیه و تحلیل عوامل خارجی، مدل خلاصه‌ی تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و غیره اشاره کرد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۰۳). روش SWOT یکی از روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی است که از دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد مطالعات برنامه‌ریزان شده است (گلکار، ۱۳۸۴: ۴۸). این مدل در واقع حروف اختصاری چهار عامل تحلیلی شامل: قوت‌ها<sup>۱</sup>، ضعف‌ها<sup>۲</sup>، فرصت‌ها<sup>۳</sup> و تهدیدها<sup>۴</sup> است. تجزیه و تحلیل SWOT شناسایی نظام‌مند عواملی است که راهبرد باید بهترین سازگاری را با آنها داشته باشد (پیرز و رابینسون، ۱۳۸۳: ۱۵۵). در واقع تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها در محیط درونی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از محیط بیرونی، جریانی نظام‌مند است که به ارائه‌ی پشتیبانی برای موقعیت تصمیم‌گیری می‌پردازد (Wheelen, 1995: 341). مدل SWOT یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سیستمی با فرصت‌ها و تهدیدهای برون سیستمی است. از دیدگاه این مدل یک استراتژی مناسب قوت‌ها و فرصت‌ها را به حداکثر و ضعف و تهدیدها را به حداقل ممکن می‌رساند (هریستون، ۱۳۸۲: ۱۹۲). این منطق اگر درست به کار گرفته شود، نتایج بسیار خوبی برای انتخاب و طراحی یک راهبرد اثربخش خواهد داشت. این مدل می‌تواند یک مرحله‌ی اولیه از یک تحلیل با هدف نهایی ارائه و اتخاذ سیاست‌های لازم برای تناسب میان عوامل داخلی و خارجی باشد (Kajanus, 2000: 718).

## بحث و یافته‌ها

در این قسمت از پژوهش با هدف شناسایی عوامل استراتژیک چهارگانه، ابتدا همه‌ی اسناد، مدارک و کتب مربوط به قاچاق کالا و ارز در استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان و بوشهر مورد مطالعه قرار گرفت. پس از آن، با پالایش، تلخیص، ترکیب و جمع‌بندی یافته‌ها، فهرست جامعی از عوامل استراتژیک تهیه شد. براین اساس ۱۷ عامل استراتژیک درونی (شامل ۹ نقطه قوت و ۸ نقطه ضعف) و ۱۹ عامل استراتژیک بیرونی (شامل ۹ فرصت و ۱۰ تهدید) مورد شناسایی قرار گرفت و به هر کدام، به‌ازای اهمیت و رتبه نمره‌ای تعلق گرفت.

"اهمیت" هر عامل عبارت است از اهمیت نسبی آن، که در مقایسه با سایر عوامل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به‌گفته‌ی دیگر، نشان می‌دهد که میزان اهمیت و اثربخشی نسبی هر عامل تا چه اندازه است. اما "رتبه" هر عامل عبارت است از نوع و چگونگی ظهور آن، که جداگانه برای هر یک از عوامل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (مهران نژاد، ۱۳۸۸: ۵۹) و پاسخ‌گویان می‌بایست یکی از اعداد صفر تا یک را به هر کدام از عوامل نسبت دهند. عدد صفر بیانگر بی‌اهمیتی و عدد یک بیانگر بالاترین اهمیت و نمره است. از سوی دیگر، ممکن است یک عامل از وزن و اهمیت بالایی

1. Strengths
2. Weaknesses
3. Opportunities
4. Threats

برخوردار باشد، اما در شرایط موجود، آن عامل در آن سیستم، از شرایط مطلوبی برخوردار نبوده و از این جهت رتبه‌ی پایینی را به خود اختصاص دهد. در این حالت برای رتبه‌بندی، پاسخ‌گویان می‌بایست یکی از اعداد ۱ تا ۵ را به وضع موجود هر عامل اختصاص دهند (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۷). در این راستا، اثربخشی نسبی (اهمیت)، نوع و میزان کارایی (رتبه) هر یک از عوامل، ارزیابی شده و از کارشناسان اداره‌های استان‌های مورد مطالعه خواسته شد تا با نهایت دقت و تعمق؛ فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف را براساس دو عامل مد نظر، مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت عوامل داخلی در قالب نقاط قوت و ضعف و عوامل خارجی در قالب گویه‌های فرصت‌ها و تهدیدها تعیین شد.

### تجزیه و تحلیل (ماتریس ارزیابی) عوامل داخلی

با توجه به جدول شماره‌ی ۲، از دیدگاه پرسش‌شوندگان (کارشناسان اداره‌های استان‌ها) مهم‌ترین نقاط قوتی که استان‌های مورد مطالعه از آن برخوردار هستند، عبارتند از: قرار گرفتن در مسیر ترانزیت با وزن نسبی ۰/۲۳۳ بالاتر از همه و در رتبه‌ی نخست قرار گرفته است، نیروی کار کافی با وزن نسبی ۰/۲۲۷ در رتبه‌ی دوم، قطب محصولات زراعی با وزن نسبی ۰/۱۹۸ در رتبه‌ی سوم، قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور با وزن نسبی ۰/۱۹۳ در رتبه‌ی چهارم. وجود تعاونی‌های مرزنشین، وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی، وجود بازارچه‌های مرزی، وجود امنیت نسبی، وجود صنایع دستی صادراتی به ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۸۰، ۰/۱۷۲، ۰/۱۷۰، ۰/۱۶۹، ۰/۱۶۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره‌ی ۲).

جدول ۲. ماتریس SWOT برای شناخت نقاط قوت و اولویت‌بندی آنها در سه استان

نقاط قوت	مجموع	میانگین	وزن نسبی	رتبه
قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور	۲۸۶/۶۵	۱/۷۳	۰/۱۹۳	۴
نیروی کار کافی	۳۳۷/۲۲	۲/۰۴	۰/۲۲۷	۲
وجود امنیت نسبی	۲۵۲/۲۶	۱/۵۲	۰/۱۶۹	۸
قرار گرفتن در مسیر ترانزیت	۳۴۶/۵	۲/۱	۰/۲۳۳	۱
وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی	۲۵۶/۱۷۵	۱/۵۵	۰/۱۷۲	۶
وجود بازارچه‌های مرزی	۲۵۳/۰۲۵	۱/۵۳	۰/۱۷۰	۷
وجود تعاونی‌های مرز نشین	۲۶۷/۹۵	۱/۶۲	۰/۱۸۰	۵
وجود صنایع دستی صادراتی	۲۵۰/۷	۱/۵۱	۰/۱۶۸	۹
قطب محصولات زراعی	۲۹۵/۵	۱/۷۹	۰/۱۹۸	۳
جمع	۲۵۴۵/۹۸	۱۵/۴۳	۱/۷۱۴	

همچنین مطابق جدول شماره‌ی ۳، از دیدگاه پرسش‌شوندگان مهم‌ترین نقاط ضعف این سه استان عبارتند از: سود سرشار به دلیل اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور جمهوری اسلامی ایران با وزن نسبی ۰/۳۲۸ بالاتر از همه و در رتبه‌ی اول قرار گرفت، پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب

و قانونی با وزن نسبی ۰/۳۱۷ در رتبه‌ی دوم، فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم خطر و پُردرآمد با وزن نسبی ۰/۳۱۷ در رتبه‌ی سوم، توزیع ناعادلانه‌ی امکانات و دور بودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه‌ی کشور با وزن نسبی ۰/۳۰۲ در رتبه‌ی چهارم، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، رشد شتابان جمعیت این مناطق و به‌ویژه جمعیت شهرنشین و عدم پاسخ‌گویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان، بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)، پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش، به‌ترتیب با وزن نسبی ۰/۲۶۳، ۰/۲۲۲، ۰/۲۰۸ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۳. ماتریس SWOT برای شناخت نقاط ضعف و اولویت‌بندی آنها در سه استان

رتبه	وزن نسبی	میانگین	مجموع	نقاط ضعف
۳	۰/۳۱۷۴	۲/۵۳۹	۴۱۹	فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به عنوان شغل آسان، کم خطر و پُردرآمد
۱	۰/۳۲۸	۲/۶۲۶	۴۳۳/۳۲	سود سرشار به دلیل اختلاف فاحش قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور ایران
۲	۰/۳۱۷۸	۲/۵۴۲	۴۱۹/۵۶	پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی
۶	۰/۲۶۳	۲/۱۱۱	۳۴۸/۳۶	رشد شتابان جمعیت این مناطق و به‌ویژه جمعیت شهرنشین و عدم پاسخ‌گویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان
۴	۰/۳۰۲	۲/۴۱۶	۳۹۸/۷	توزیع ناعادلانه‌ی امکانات و دور بودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه‌ی کشور
۸	۰/۲۰۸	۱/۶۷۰	۲۷۵/۵۶	پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش
۵	۰/۲۷۷	۲/۲۱۹	۳۶۶/۲۶	عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
۷	۰/۲۲۲	۱/۷۷۸	۲۹۳/۴	بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)
	۲/۲۳۸	۱۷/۹۰۴	۲۹۵۴/۲۵	جمع

### تجزیه و تحلیل (ماتریس ارزیابی) عوامل خارجی

با توجه به جدول شماره‌ی ۴، از دیدگاه پرسش‌شوندگان مهم‌ترین فرصت‌ها در استان مورد مطالعه عبارتند از: شرایط ممتاز استان‌ها برای تصدّی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی با وزن نسبی ۰/۲۴۲ بالاتر از همه و در رتبه‌ی نخست قرار گرفته است، برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک با وزن نسبی ۰/۲۳۱ در رتبه‌ی دوم، افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری با وزن نسبی ۰/۲۱۵ در رتبه‌ی سوم، استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده با وزن نسبی ۰/۲۰۲ در رتبه‌ی چهارم. گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی، تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی، همجواری با کشورهای همسایه، قابلیت مبادلات اقتصادی خاص، علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه، به‌ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۹۲، ۰/۱۸۰، ۰/۱۵۸، ۰/۱۵۰، ۰/۱۴۷ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۴. ماتریس SWOT برای شناخت فرصت‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها در سه استان

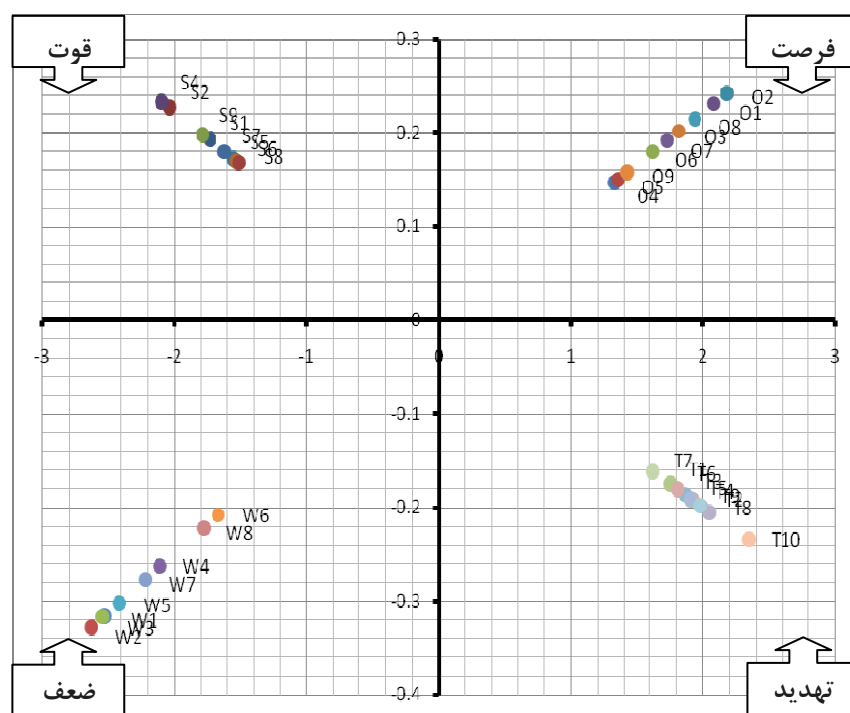
فرصت‌ها	مجموع	میانگین	وزن نسبی	رتبه
برخوردارى از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک	۳۴۳/۱۱	۲/۰۷۹	۰/۲۳۱	۲
شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی	۳۵۹/۹۷	۲/۱۸۱	۰/۲۴۲	۱
استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده	۲۹۹/۹۹	۱/۸۱۸	۰/۲۰۲	۴
علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه	۲۱۹/۳۱	۱/۳۲۹	۰/۱۴۷	۹
قابلیت مبادلات اقتصادی خاص	۲۲۳/۵۵	۱/۳۵۴	۰/۱۵۰	۸
تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی	۲۶۷/۷	۱/۶۲۲	۰/۱۸۰	۶
گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی	۲۸۵/۷۹	۱/۷۳۲	۰/۱۹۲	۵
افزایش اهمیت دادن به خلاقیت و نوآوری	۳۲۰/۲۵	۱/۹۴۰	۰/۲۱۵	۳
همجواری با کشورهای همسایه	۳۹۹/۶۵	۱/۴۲۲	۰/۱۵۸	۷
جمع	۲۷۱۹/۳۳	۱۶/۴۸۰	۱/۸۳۱	

و در آخر، از نظر پرسش‌شوندگان؛ ایجاد روحیه‌ی مصرف‌گرایی به جای روحیه‌ی تولیدگرا با وزن نسبی ۰/۲۳۴ به‌عنوان مهم‌ترین تهدید در استان‌های مورد مطالعه، وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف با وزن نسبی ۰/۲۰۵ در رتبه‌ی دوم شناخته شد، ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی با وزن نسبی ۰/۱۹۹ در رتبه‌ی سوم، انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی با وزن نسبی ۰/۱۹۸ در رتبه‌ی چهارم، تضعیف امنیت اقتصادی با وزن نسبی ۰/۱۹۲ در رتبه‌ی پنجم قرار گرفته و هدر رفتن سرمایه‌ی اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی)، گسترش اقتصاد زیرزمینی، مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیرگذار از منطقه، وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنان دو طرف مرز، افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای به‌ترتیب با وزن نسبی ۰/۱۹۱، ۰/۱۸۶، ۰/۱۸۱، ۰/۱۷۵، ۰/۱۶۲ در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول شماره‌ی ۵).

جدول ۵. ماتریس SWOT برای شناخت تهدیدها و اولویت‌بندی آنها در سه استان

تهدیدها	مجموع	میانگین	وزن نسبی	رتبه
وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنان دو طرف مرز	۲۹۰/۲۲	۱/۷۵۸	۰/۱۷۵	۹
ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی	۳۲۸/۳۶	۱/۹۹۰	۰/۱۹۹	۳
گسترش اقتصاد زیرزمینی	۳۰۸/۲۷	۱/۸۶۸	۰/۱۸۶	۷
تضعیف امنیت اقتصادی	۳۱۷/۴۷	۱/۹۲۴	۰/۱۹۲	۵
هدر رفتن سرمایه‌ی اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی)	۳۱۵/۲	۱/۹۱۰	۰/۱۹۱	۶
مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیرگذار از منطقه	۲۹۹/۲۱	۱/۸۱۳	۰/۱۸۱	۸
افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای	۲۶۷/۴۷	۱/۶۲۱	۰/۱۶۲	۱۰
وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف	۳۳۸/۳۶	۲/۰۵۰	۰/۲۰۵	۲
انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی	۳۲۶/۷۶	۱/۹۸۰	۰/۱۹۸	۴
ایجاد روحیه‌ی مصرف‌گرایی به جای روحیه‌ی تولیدگرا	۳۸۶/۹۱	۲/۳۴۴	۰/۲۳۴	۱
جمع	۳۱۷۸/۲۴	۱۹/۲۶۲	۱/۹۲۶	

شکل شماره ۲ نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مذکور را از دیدگاه پرسش‌شوندگان نشان می‌دهد. این شکل که براساس میانگین و وزن نسبی مؤلفه‌ها تنظیم یافته، نشان‌دهنده‌ی این است که وزن نسبی بیشتر مؤلفه‌هایی که در ربع اول و ربع دوم محور مختصات (فرصت‌ها و قوت‌ها) قرار گرفته‌اند، بیشتر از ۰/۱۵ است و به این معنا است که مؤلفه‌های انتخابی از وضعیت خوب و پایداری برخوردارند و آنهایی که دارای وزن نسبی بین ۰/۰۰۰ تا ۰/۱۵ هستند، مانند علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه (O۴) و قابلیت مبادلات اقتصادی خاص (O۵)، وضعیت نامطلوبی دارند و باید بهبود و ارتقا یابند. با توجه به همین شکل مؤلفه‌هایی که در ربع سوم و ربع چهارم محور مختصات (نقاط ضعف و تهدیدها) قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهند که اغلب این مؤلفه‌ها از شرایط بسیار نامطلوبی برخوردار هستند. در این میان مؤلفه‌هایی که وزن نسبی بین ۰/۰۰ تا ۰/۲- قرار دارند، دارای وضعیت نامطلوبی هستند و باید ارتقا داده شوند و مؤلفه‌های که وزن نسبی بالاتر از ۰/۲- دارند، وضعیت بسیار نامطلوبی دارند که باید جایگزین یا حذف شوند.



شکل ۲. نمودار تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها

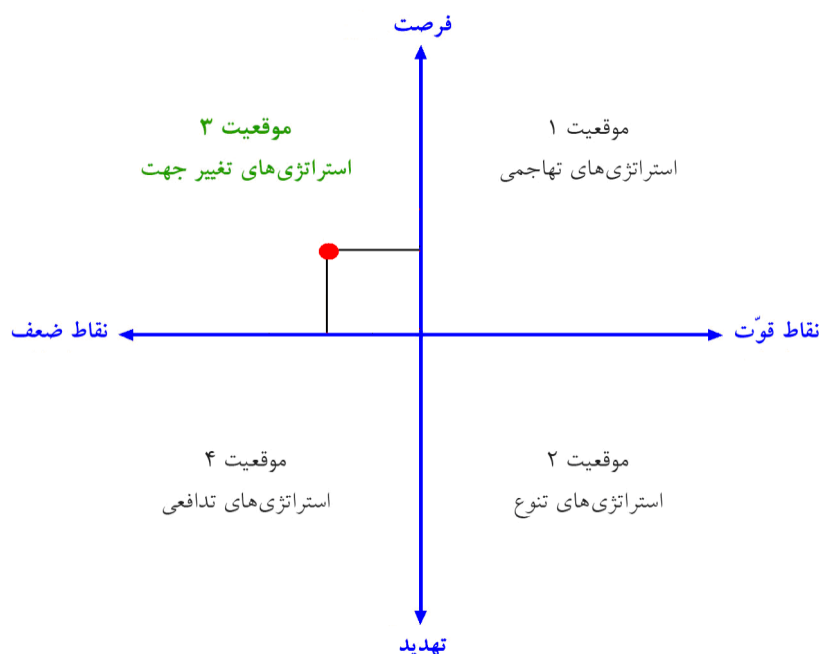
### تجزیه و تحلیل موقعیت استراتژیک و ارائه‌ی راهبردهای عمده

این مرحله از پژوهش به تجزیه و تحلیل موقعیت استراتژیک و تدوین راهبردهای عمده یا کلان و پیشنهاد اقدام راهبردی اختصاص دارد. در این راستا، اطلاعات حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله‌ی قبل، به‌عنوان داده‌های ورودی در این مرحله مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. تجزیه و تحلیل موقعیت و تعیین اقدام راهبردی عبارت است از: انجام موازنه‌ی استراتژیک بین عوامل سوق‌دهنده (شامل فرصت و قوت) در مقابل عوامل بازدارنده (شامل تهدید و ضعف) در جهت رفع آنها.

در ادامه تحلیل‌های این مرحله، موقعیت استراتژیک استان‌های مورد مطالعه، با استفاده از دو روش پیشنهادی در منابع نظری مختلف، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

### نمودار تحلیل موقعیت و تعیین راهبرد<sup>۱</sup>

یکی از کاربردهای مدل SWOT، مقایسه‌ی نظام‌یافته‌ی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی با ضعف و قوت‌های داخلی است که به‌منظور تشخیص یکی از چهار الگو میان موقعیت‌ها و استراتژی‌های عمده یا کلی صورت می‌گیرد. با جمع‌بندی نتایج حاصل از ماتریس‌های ارزیابی عوامل استراتژیک داخلی و خارجی، موقعیت استان‌ها در قاچاق کالا، به‌گونه‌ای که در شکل شماره‌ی ۳ عرضه شده است، تعیین و اقدام استراتژیک متناسب با آن پیشنهاد می‌شود. همان‌گونه که در این نمودار نشان داده شده است، این استان‌ها در "موقعیت شماره‌ی ۴" یعنی وضعیت غلبه تهدیدها بر فرصت‌ها و در ضمن غلبه نقاط ضعف بر نقاط قوت قرار گرفته است. در چنین شرایطی، توصیه می‌شود با استفاده از "استراتژی‌های تدافعی" با شناخت فرصت‌ها و قوت‌ها برای جبران نقاط ضعف و تهدید بهره گرفته شود.



شکل ۳. تعیین موقعیت و استراتژی عمده بر اساس نمودار SWOT

### ماتریس داخلی - خارجی<sup>۲</sup>

کاربرد "ماتریس داخلی - خارجی" در تدوین استراتژی‌های بخش‌های گوناگون است. این ماتریس دارای ۹ خانه است و هر بخش در یکی از ۹ خانه‌ی آن قرار می‌گیرند. این ماتریس دارای دو بُعد اصلی است: (۱) مجموع امتیازهای موزون

1. SWOT Analysis Matrix  
2. IE Matrix

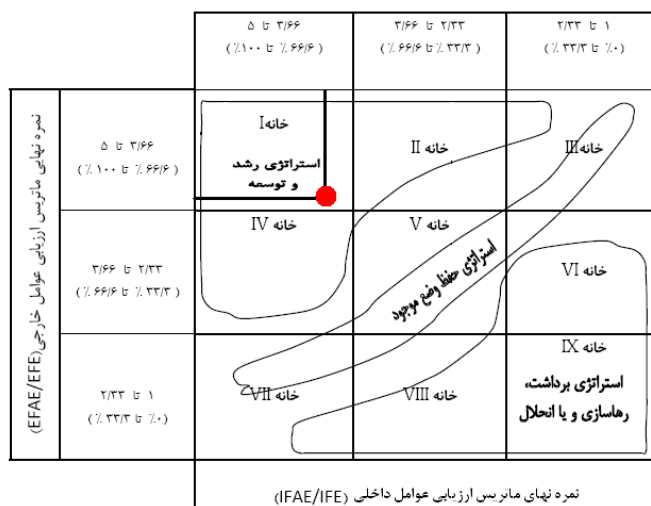
عوامل استراتژیک بیرونی از ماتریس EFAS / EFE که روی محور عمودی نشان داده می‌شود. ۲) مجموع امتیازهای موزون عوامل استراتژیک درونی از ماتریس IFAS / IFE که روی محور افقی نشان داده می‌شود. با توجه به اینکه مجموع امتیازهای موزون در ماتریس‌های ارزیابی عوامل بیرونی و درونی، در فاصله‌ی ۱ تا ۵ قرار می‌گیرند، بنابراین خانه‌های این ماتریس به‌گونه‌ای که در شکل شماره‌ی ۴ نمایش داده شده است، در خانه‌ی ۳/۶۶ تا ۵ قرار می‌گیرد.

جدول ۵. ماتریس بررسی عوامل داخلی (IFAS/IFE)

عوامل	مجموع	میانگین	وزن نسبی
نقاط قوت	۲۵۴۵/۹۸	۱۵/۴۳	۱/۷۱۴
نقاط ضعف	۲۹۵۴/۲۵	۱۷/۹۰۴	۲/۲۳۸
جمع	۵۵۰۰/۲۳	۳۳/۳۳۴	۳/۹۵۲

ماتریس بررسی عوامل خارجی (EFAS/EFE)

عوامل	مجموع	میانگین	وزن نسبی
نقاط قوت	۲۷۱۹/۳۳	۱۶/۴۸۰	۱/۸۳۱
نقاط ضعف	۳۱۷۸/۲۴	۱۹/۲۶۲	۱/۹۲۶
جمع	۵۸۹۷/۵۷	۳۵/۷۴۲	۳/۷۵۷



شکل ۴. ماتریس داخلی - خارجی (IE)

با توجه به اینکه نمره‌ی نهایی نقاط قوت و ضعف گروه‌های پنج‌گانه برابر ۳/۹۵۲ (جدول شماره‌ی ۵) و نمره‌ی نهایی فرصت‌ها و تهدیدها برابر با ۳/۷۵۷ (جدول شماره‌ی ۶) است، بنابراین برای استراتژیک تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرزنشینان در قاچاق کالا، در خانه‌ی شماره‌ی یک قرار دارد. این موقعیت استراتژیک بیانگر انتخاب استراتژی رشد و توسعه است.

## تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک<sup>۱</sup>

در این مدل، با استفاده از جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آنها، مهم‌ترین عوامل استراتژیک مؤثر در قاچاق کالا ارائه شده است. در واقع، با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک، برنامه‌ریزانی که تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها را به تعداد کمتری از عوامل محدود کنند. این کار با بررسی دوباره‌ی وزن‌های هر یک از عوامل موجود در جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی، انجام گرفته است. در واقع سنگین‌ترین عوامل موجود در این جداول از حیث وزن، باید به جدول تجزیه و تحلیل استراتژیک منتقل شوند. این مهم در خصوص عوامل استراتژیک تأثیرگذار بر قاچاق کالا و ارز در استان‌های مورد مطالعه، در جدول شماره‌ی ۷ خلاصه شده است.

جدول ۷. تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS) در سه استان

برنامه‌ریزی			وزن نسبی	رتبه	عوامل استراتژیک
بلندمدت	میان‌مدت	کوتاه‌مدت			
*	*	*	۰/۲۲۷	۲	S2 = نیروی کار کافی
*	*		۰/۲۳۳	۱	S4 = قرار گرفتن در مسیر ترانزیت
*		*	۰/۱۹۸	۳	S9 = قطب محصولات زراعی
*			۰/۲۳۱	۳	O1 = برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک
*			۰/۲۴۲	۲	O2 = شرایط ممتاز استان برای تصدّی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی
*	*	*	۰/۲۶۹	۱	O9 = همجواری با کشورهای همسایه
*	*	*	۰/۳۱۷۴	۳	W1 = فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به‌عنوان شغل آسان، کم‌خطر و پُر درآمد
		*	۰/۳۲۸	۱	W2 = سود سرشار به‌دلیل اختلاف فاحش قیمت کالا بین ایران و کشورهای همسایه
*	*	*	۰/۳۱۷۸	۲	W3 = پایین بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب
	*		۰/۱۹۹	۳	T2 = ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی
*			۰/۲۰۵	۲	T8 = وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف
*	*	*	۰/۲۳۴	۱	T10 = ایجاد روحیه‌ی مصرف‌گرایی به جای روحیه‌ی تولیدگرا

## تلفیق عوامل استراتژیک و تدوین راهبردهای خاص

پس از آن که عوامل بیرونی و درونی، شناسایی و ارزیابی شدند و از این طریق عوامل کلیدی آنها از غیرکلیدی تمیز داده شد، زمان پیشنهاد و انتخاب راهبردها فرا می‌رسد. این امر با استفاده از الگوی "ماتریس تهدیدها، فرصت‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف" انجام می‌پذیرد که می‌توان آن را ماتریس تلفیق عوامل استراتژیک نیز نامید. در جدول شماره‌ی ۸ شمایی از این ماتریس نمایش داده شده است.



جدول ۸. راهبردهای به‌دست‌آمده از تلفیق عوامل استراتژیک

ضعف‌ها	قوت‌ها	تحلیل SWOT نیروهای بیرونی
<p>W1 = فقر و محرومیت و عدم وجود مراکز صنعتی و جذب نیروی کار در منطقه و در نتیجه‌ی گرایش نیروی کار به سمت قاچاق به‌عنوان شغل آسان، کم‌خطر و پردرآمد</p> <p>W2 = سود سرشار به‌دلیل اختلاف چشمگیر قیمت کالا بین کشورهای همسایه و کشور ایران</p> <p>W3 = پایین‌بودن سطح کیفیت زندگی و فقدان منابع کافی برای امرار معاش مناسب و قانونی</p> <p>W4 = رشد شتابان جمعیت این مناطق و به‌ویژه جمعیت شهرنشین و عدم پاسخ‌گویی توانمندی‌های بالفعل این مناطق به نیازهای معیشتی مرزنشینان</p> <p>W5 = توزیع ناعادلانه‌ی امکانات و دوربودن از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه‌ی کشور</p> <p>W6 = پایین بودن سطح تحصیلات و آموزش</p> <p>W7 = عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی</p> <p>W8 = بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها (تغییر سیستم ارزشی اجتماع در تخلف دانستن قاچاق)</p>	<p>S1 = قطب منابع غنی کانی و معدنی کشور</p> <p>S2 = نیروی کار کافی</p> <p>S3 = وجود امنیت نسبی</p> <p>S4 = قرار گرفتن در مسیر ترانزیت</p> <p>S5 = وجود امکانات توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به محصولات کشاورزی</p> <p>S6 = وجود بازارچه‌های مرزی</p> <p>S7 = وجود تعاونی‌های مرز نشین</p> <p>S8 = وجود صنایع دستی صادراتی</p> <p>S9 = قطب محصولات زراعی</p>	<p>فرصت‌ها</p> <p>O1 = برخورداری از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک</p> <p>O2 = شرایط ممتاز استان برای تصدّی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی</p> <p>O3 = استفاده از ظرفیت نیروی کار جوان و تحصیل کرده</p> <p>O4 = علائق حضور سرمایه‌گذاران برای حضور در منطقه</p> <p>O5 = قابلیت دادوستدهای اقتصادی خاص</p> <p>O6 = تقویت هویت‌های ملی و ایجاد همگرایی</p> <p>O7 = گسترش نقش دانشگاه در حل مشکلات اجتماعی</p> <p>O8 = افزایش اهمیت‌دادن به خلّاقیت و نوآوری</p> <p>O9 = همجواری با کشورهای همسایه</p>
<p>راهبردهای بازنگری / تغییر جهت هوشمندانه (WO)</p> <p>- ایجاد زمینه مناسب برای بهره‌مندی از خلّاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده</p> <p>- گسترش دادوستدهای اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی برای افزایش کیفیت زندگی و از بین بردن فقر و محرومیت</p> <p>- استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در همجواری با کشورهای همسایه جهت گسترش دادوستدهای اقتصادی - تجاری رسمی برای کاهش فعالیت‌های غیر رسمی</p> <p>- ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی در جهت توسعه اقتصادی</p> <p>- شفاف‌سازی قیمت‌ها (هدف‌مندکردن) به‌منظور کاهش اختلاف قیمت کالا با بیرون از مرزها</p>	<p>راهبردهای رقابتی / تهاجمی (SO)</p> <p>- بهره‌برداری از منابع غنی معدنی و کانی با استفاده از نیروی کار محلی در جهت توسعه صادرات</p> <p>- جذب نیروهای متخصص و جوان محلی برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به آن با توجه به وجود امکانات طبیعی کشاورزی</p> <p>- توسعه‌ی تعاونی‌های و بازارچه‌های مرزی به‌منظور استفاده از بازار مصرف کشورهای همسایه</p> <p>- بهبود و ساماندهی مسیرهای ترانزیت کالا برای استفاده از موقعیت ژئواکونومی و ژئواستراتژیک استان‌های مورد مطالعه</p> <p>- استفاده از وجود امنیت نسبی منطقه برای گسترش دادوستدهای اقتصادی - تجاری با کشورهای همسایه برای جذب سرمایه خارجی</p>	<p>تهدیدها</p> <p>T1 = وجود روابط عشیرتی و قرابت‌های سببی و نسبی بین ساکنان دو طرف مرز</p> <p>T2 = ایجاد فرهنگ قانون‌گریزی</p> <p>T3 = گسترش اقتصاد زیرزمینی</p> <p>T4 = تضعیف امنیت اقتصادی</p> <p>T5 = هدر رفتن سرمایه‌ی اجتماعی (کاهش همبستگی، انسجام و امنیت اجتماعی)</p> <p>T6 = مهاجرت نیروی‌های متخصص و تأثیرگذار از منطقه</p> <p>T7 = افزایش درگیری قومی و قبیله‌ای</p> <p>T8 = وجود رقابت بین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تسخیر بازار مصرف</p> <p>T9 = انزوای فرهنگی - اجتماعی مناطق مرزی</p> <p>T10 = ایجاد روحیه مصرف‌گرایی به‌جای روحیه تولیدگر</p>
<p>راهبرد تدافعی (WT)</p> <p>- فراهم آوردن شرایط لازم برای توزیع بهینه‌ی امکانات و منابع به‌منظور فقرزدایی و بهبود سطح معیشتی منطقه</p> <p>- تشویق و حمایت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد رسمی به‌منظور کاهش دادوستدهای غیر رسمی</p> <p>- اصلاح و ارتقای بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها به‌منظور افزایش فرهنگ قانون‌مداری</p> <p>- فرهنگ‌سازی جهت استفاده از تولیدات داخلی برای تأمین امنیت اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی در رقابت با کشورهای همسایه</p>	<p>راهبردهای تنوع (ST)</p> <p>- گسترش فعالیت‌های کشاورزی با استفاده از امکانات طبیعی کشاورزی و نیروی انسانی بومی جهت ایجاد صنایع تبدیلی</p> <p>- ایجاد فرهنگ روحیه‌ی تولیدگر جهت بهره‌برداری از منابع غنی کانی و معدنی منطقه</p> <p>- گسترش حمل‌ونقل ریلی به‌منظور ترانزیت بین‌المللی جهت رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی</p> <p>- استفاده از سرمایه‌های اجتماعی منطقه برای افزایش انسجام اجتماعی و ایجاد فرهنگ قانون‌گرایی در راستای توسعه اقتصادی</p>	

در پیاده‌سازی این ماتریس، پس از فهرست کردن هر یک از عوامل استراتژیک چهارگانه و نوشتن آنها در سلول مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آنها، استراتژی‌های مورد نظر به دست می‌آید. شایان ذکر است که این ماتریس باید برای تدوین استراتژی‌های بسیار خاص و با توجه به شرایط ویژه به کار گرفته شود، اما از آنجا که تعداد تمامی عوامل استراتژیک حاصل از جداول خلاصه‌ی تجزیه و تحلیل (ماتریس‌های ارزیابی) عوامل خارجی و داخلی، بسیار زیاد بودند و تحلیل و تلفیق آنها برای تدوین استراتژی‌ها کار به نسبت مشکلی است، بنابراین راه‌های گوناگونی برای تهیه‌ی فهرست محدود و کوتاه از عوامل استراتژیک پیشنهاد شده است. از سویی، تلفیق عوامل استراتژیک کلیدی و تدوین استراتژی‌های چهارگانه، بر اساس خبرگی و خلاقیت انجام گرفته که از مشکل‌ترین بخش‌های مدل تحلیل SWOT است و به قدرت قضاوت و توانایی تجزیه و تحلیل خوبی نیازمند است.

بنابراین، این مرحله از پژوهش نیز در تعامل مستمر و با انجام مشاوره با کارشناسان انجام شده است. همچنین با توجه به نتایج ارزیابی عوامل و تعیین موقعیت استراتژیک در مراحل گذشته، "راهبردهای ضعف - فرصت" از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بنابراین بخش عمده‌ای از تجزیه و تحلیل‌های این مرحله بر تدوین این راهبردها متمرکز بوده و در میان مجموعه راهبردها نیز، سهم بیشتری را به خود اختصاص خواهند داد.

اینک با تداخل هر یک از عوامل بر یکدیگر به تدوین راهبردهای مختلف؛ رقابتی/تهاجمی (SO)<sup>۱</sup>، تنوع (ST)<sup>۲</sup>، بازنگری/ تغییر جهت هوشمندانه (WO)<sup>۳</sup> و در انتها، راهبردهای تدافعی (WT)<sup>۴</sup> می‌پردازیم.

## نتیجه‌گیری

یکی از اهداف انقلاب اسلامی رفع محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته است و این مهم از دل مشغولی‌های اساسی دولت‌های پس از انقلاب بوده و در این زمینه گام‌های مهمی نیز برداشته شده است. اما با وجود گرایش‌های فوق و با همه‌ی تلاش‌های انجام شده، هم‌اکنون حوزه‌های جغرافیایی با اهمیتی چون مناطق و نواحی مرزی، تفاوت‌های فاحشی از نظر برخورداری از رفاه و توسعه با مراکز عمده‌ی جمعیتی دارند. در نتیجه با وجود قابلیت‌های فراوان مناطق مرزی کشور، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در آنها در سطح مطلوبی قرار ندارد و این امر موجب شده مناطق مرزی از چرخه‌ی توسعه باز بمانند. بدین منظور راهبردهای به دست آمده از تلفیق عوامل استراتژیک برای توانمندسازی و استفاده از قابلیت‌های مناطق مرزی پیشنهاد می‌شود.

### الف- راهبردهای رقابتی/ تهاجمی (SO)

۱. بهره‌برداری از منابع غنی معدنی و کانی با استفاده از نیروی کار محلی در جهت توسعه‌ی صادرات؛

۱. SO: بهره‌جستن از نقاط قوت برای استفاده از فرصت‌ها

۲. ST: احتراز از تهدیدها برای استفاده از نقاط قوت

۳. WO: بهره‌جستن از فرصت‌ها برای از بین بردن نقاط ضعف

۴. WT: کاهش نقاط ضعف برای پرهیز از تهدیدها

۲. جذب نیروهای متخصص و جوان محلی برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد صنایع تبدیلی وابسته به آن با توجه به وجود امکانات طبیعی کشاورزی؛
۳. توسعه‌ی تعاونی‌ها و بازارچه‌های مرزی برای استفاده از بازار مصرف کشورهای همسایه؛
۴. بهبود و ساماندهی مسیرهای ترانزیت کالا برای استفاده از موقعیت ژئواکونومی و ژئواستراتژیک استان‌های مورد مطالعه؛
۵. استفاده از وجود امنیت نسبی منطقه به منظور گسترش دادوستدهای اقتصادی - تجاری با کشورهای همسایه برای جذب سرمایه‌ی خارجی.

### ب - راهبردهای تنوع (ST)

۱. گسترش فعالیت‌های کشاورزی با استفاده از امکانات طبیعی کشاورزی و نیروی بومی برای ایجاد صنایع تبدیلی؛
۲. ایجاد فرهنگ روحیه‌ی تولیدگرا برای بهره‌برداری از منابع غنی کانی و معدنی منطقه؛
۳. گسترش حمل‌ونقل ریلی به منظور ترانزیت بین‌المللی جهت رشد و توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی؛
۴. استفاده از سرمایه‌های اجتماعی منطقه برای افزایش انسجام اجتماعی و ایجاد فرهنگ قانون‌گرایی در راستای توسعه‌ی اقتصادی.

### ج - راهبردهای بازنگری / تغییر جهت هوشمندانه (WO)

۱. ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده؛
۲. گسترش مبادله‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش کشاورزی، جهت افزایش کیفیت زندگی و از بین بردن فقر؛
۳. استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در همجواری با کشورهای همسایه، جهت گسترش مبادله‌های اقتصادی - تجاری رسمی و با هدف کاهش فعالیت‌های غیر رسمی؛
۴. ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی در جهت توسعه‌ی اقتصادی؛
۵. شفاف‌سازی قیمت‌ها (هدفمند کردن) به منظور کاهش اختلاف قیمت کالا با بیرون از مرزها.

### د - راهبرد تدافعی (WT)

۱. فراهم آوردن شرایط لازم برای توزیع بهینه‌ی امکانات و منابع به منظور فقرزدایی و بهبود سطح معیشتی منطقه؛
۲. تشویق و حمایت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش اقتصاد رسمی، به منظور کاهش مبادله‌های غیررسمی؛
۳. اصلاح و ارتقای بافت فرهنگی حاکم بر خانواده‌ها به منظور افزایش فرهنگ قانون‌مداری؛
۴. فرهنگ‌سازی جهت استفاده از تولیدات داخلی برای تأمین امنیت اقتصادی و حمایت از تولیدات داخلی در رقابت با کشورهای همسایه.

## سیاسگزاری

این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی "بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرزنشینان و تأثیر آن بر قاچاق کالا با تأکید بر آمایش سرزمین (استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و بوشهر)" که در سال ۱۳۹۰ با کمک معاونت پژوهشی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تهیه و اجرا شده است.

## منابع

1. Ahmadi Forooshani, M., Mahmoodi, M., 2010, **Land Use Planning in the Land Administration**, Land Use Planning Magazine, Vol. 2, No. 2, PP. 93-110 (*in Persian*)
2. Alinaghi, A., 1999, **Data from an Imbalance in Iran's Border Provinces**, Journal of Strategic Studies, Vol. 2, No. 6, PP. 127-156. (*in Persian*)
3. Andalib, A., 2000, **Land Use Planning of Border Areas**, Urban School of Fine Arts Degree Thesis, Tehran University, Tehran. (*in Persian*)
4. Andalib, A., 2010, **Basic Theory and Principles of Spatial Planning the Border Areas of Iran**, Command and Staff College Islamic Revolution Iranian Revolutionary Guards, Tehran. (*in Persian*)
5. Castells, M., 2009, **Communication Power**, Oxford University Press, Uk, Oxford.
6. Dvas, D. A., 2003, **Surveys in Social Research**, Translation: Hooshang Nayebi, Ney Publication, Tehran. (*in Persian*)
7. Eftekhari, A., Papoli Yazdi, M. and Abdi, A., 2008, **Evaluated the Economic Impact of Border Marketplaces Reflections on the Development of Border Areas, Case Study: General Boundary Sheikh Saleh Salas Babajani City, Province**, Political Geography and Geopolitical Journal, Vol. 4, No. 2, PP. 82-109. (*in Persian*)
8. Friedman, J., 1998, **Regional Development Policy, a Case Study of Venezuela**, MIT Press, Massachusetts.
9. Ghaderi, M., Abdi, A., Jalili, P., Bagheri, N., 2010, **Explain The Role of Border Marketplaces Security and Sustainable Development in the Surrounding Areas: a Case Study: South Khorasan Border Marketplaces**, Political Geography and Geopolitical Journal, Vol. 6, No. 3, PP.121-151. (*in Persian*)
10. Golkar, M., 2005, **For Analysis of SWOT**, Architecture Magazine, Vol. 15, No. 41, PP. 44-65. (*in Persian*)
11. Hafeznia, M., 1998, **Introduction to Research Methods in Human Sciences**, Samt, Tehran. (*in Persian*)
12. Hajinejad, A., 1999, **Causes, Factors and Forces Involved in Smuggling in Sistan Baluchistan Province with Emphasis on Zahedan city**, Third National Conference of the Phenomenon of Smuggling and Its Prevention, PP. 11-13. (*in Persian*)
13. Harrison, J. and Karon, J., 2003, **Strategic Management**, Translated by B. Ghasemi, Publishing Hayat, Tehran. (*in Persian*)
14. Harvey, D., 2008, **the Capital City**, Translated by Aref Aghvami Moghadam, Publishing Akhavan, Tehran. (*in Persian*)

15. Hosseinzadeh Dalir, K., Maleki, S., 2006, **Status of Human Development Indicators in Ilam**, Journal of Geography and Regional Development, Vol. 4, No. 6, PP. 1-26 (*in Persian*)
16. Jamshidi Avanehi, M., Ghorchian, N., 2006, **Land Use Planning to the Curriculum, Metacognitive Thinking**, Tehran. (*in Persian*)
17. Jones, P.N. and Wild, T., 1994, **Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone**, Regional Studies, Vol. 28, No. 3, PP. 259-273.
18. Kajanus, M., 2000, **A Model for Creating Innovative Strategies for an Enterprise and its Application to a Rural Enterprise**, Management Decision, Vol. 38 No. 10, PP.711 – 722.
19. Khenfyr, H., 2010, **Introduction to the Land Use Planning and its Application in Iran**, Journal of Land Use Planning, Vol. 2, No. 2, PP. 5-26 (*in Persian*)
20. Kohshekaf, N., 2002, **The Challenges of Underdevelopment and Ethnic Kurdish Areas of the Country, an Overview of the Economic Indicators of Human Development and the Kurdish Provinces of West Countries in the Years 1378-1355**, Challenges and Prospects for Development Conference Proceedings Iran, Tehran. (*in Persian*)
21. Makhdoom, M., 1999, **Land Use Planning Foundation**, Tehran University, Tehran. (*in Persian*)
22. Mehran Nejad, A., Jvadipour, R., 2009, **Municipalities Electronic Services Development Strategies Based on Analysis SWOT: a Case Study of E-District 13 of Tehran Municipality**, Second International Conference on Electronic Municipality, Tehran. (*in Persian*)
23. Ministry of Agriculture, 2006, **Reorganization Plan Guide Economic Development, Social, Rural Areas**, the Office of Rural Development Planning, Tehran. (*in Persian*)
24. Mir Mohammadi, M., 2007, **Land Use and Economic Security Concerns**, Manage Economics Research Institute, Tehran. (*in Persian*)
25. Mir Mohammadi, M., 2008, **Land Use, Infrastructure Development, Vice President of Planning and Strategic Studies**, <http://www.spac.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object> (*in Persian*)
26. Mohammad Pour, A., 2002, **Open Borders and Its Impact on Border Areas, Item: Bajgiran, Iran and Turkmenistan on the Border**, the Political Geography Master's Thesis, Tarbiyat Modares University, Tehran. (*in Persian*)
27. Mohammadi, H., Fakhr Fatemi, A., 2005, **The Role of Border Marketplaces in Border Areas of Spatial Development**, Political Geography and Geopolitical Journal, Vol. 1, No. 1, PP. 54-77. (*in Persian*)
28. Motavaf, SH., 2002, **Examined the Phenomenon of Regional Imbalances; Against Developing Countries and Developed for Use in Extracting Lessons from the Development Plan**, Proceedings of Conference on Challenges and Prospects for Development of Iran, Tehran. (*in Persian*)
29. Myrdal, M., 1998, **Economic Theory and Under Development Region**, G. Duckworth, London.
30. Niles, H., 1978, **Border Regions: A Critique of Spatial Theory and a European Case Study**, the Annals of Regional Science, Vol. 11, No. 1, PP. 1-14.

31. Papoli Yazdi, M., Ebrahimi, M., 2002, **Rural Development Theories**, Samt, Tehran. (*in Persian*)
32. Pierz, J, Richardbi, R., 2004, **Strategic Management, Planning, (Implementation and Control)**, Samt, Tehran. (*in Persian*)
33. Rahmani, B., Shams, M. and Hatamifar, S., 2010, **Feasibility of Sustainable Development of Tourism in the City of Malayer Using SWOT**, Journal of Geography and Environmental Studies, Vol. 1, No. 3, PP. 13-25. (*in Persian*)
34. Saifolahi, S., 2002, **Sociology and Social Issues in Iran**, Sinai Scholars Society, Tehran. (*in Persian*)
35. Sarokhani, B., 2003, **Research Methodology in Social Sciences**, Vol. 1, Edition 8, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran. (*in Persian*)
36. Sarrafi, M., 1998, **Principles of Planning, Regional Development, Spatial Planning and the Regional Planning Office**, Planning and Budget Organization, Tehran. (*in Persian*)
37. Schubert, W. H., 2002, **Curriculum: Perspective, Paradigm & Possibility**, Macmillan Publishing Company, the University of Michigan.
38. Shakoei, H., 2002, **New Perspectives in Urban Geography**, Samt, Tehran. (*in Persian*)
39. Wahidi, P., 1994, **Land Use Planning, Tips for Planning Higher Education**, Journal of Research and Planning in Higher Education, Vol. 2, No. 7, PP. 75-104. (*in Persian*)
40. Wheelen, T. L., & Hunger, J. D., 1995, **Strategic Management and Business Policy**, 5<sup>th</sup> Ed., Reading, Addison-Wesley, New Jersey.
41. Ziari, K., 1999, **Analytical Model of Poverty, Income Distribution and Regional Disparities in Iran**, Geographical Research Quarterly, No. 48, PP. 80-92. (*in Persian*)